

نقش وراثتی و تربیتی أم البنین (س) در شکل‌گیری و
رشد شخصیت حضرت عباس علیه السلام

احمد سعادت^۱، کلثوم رجیبی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷)

چکیده

ام البنین (س) در شکل‌گیری و رشد شخصیت حضرت عباس علیه السلام نقش مؤثری داشته است. این مقاله با روش توصیفی-اکتشافی به بررسی این نقش پرداخته تا نشان دهد که چگونه عوامل وراثتی و تربیتی در کنار هم می‌توانند به شکل‌گیری شخصیت‌های بزرگ و برجسته منجر شوند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد حضرت عباس علیه السلام به دلیل تربیت یافتگی در مکتب علی علیه السلام و مادرش ام البنین (س) و همچنین تأثیرات وراثتی از این بانوی بزرگوار که از خانواده‌ای اصیل و شریف عرب و واجد فضایل و ویژگی‌های برجسته انسانی، اسلامی و اخلاقی و روحی بود به یکی از نمونه‌های بارز شجاعت، بصیرت، وفاداری و اطاعت‌پذیری تبدیل شده‌است. این نتایج می‌تواند برای فهم بهتر نقش خانواده و تربیت دینی در شکل‌گیری شخصیت‌های برجسته و همچنین الگوگیری در تربیت نسل‌های آینده مفید باشد.

کلید واژه‌ها: تربیت اسلامی، وراثت، ام البنین (س)، عباس بن علی علیه السلام.

۱. استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، نمایندگی گلستان، جامعه المصطفی العالمیه. As1152150@gmail.com

۲. مدیر گروه مبانی اندیشه اسلامی، نمایندگی گلستان، جامعه المصطفی العالمیه. Rasa5150@gmail.com



بیان مسأله

وراثت و تربیت، دو عامل اساسی در شکل‌گیری و رشد شخصیت انسان‌ها، همواره مورد توجه محققان و متخصصان زیستی، روانشناسی و تربیتی قرار گرفته‌اند. در این میان، نقش مادران به عنوان نخستین مربیان و تأثیرگذارترین افراد در زندگی فرزندان، اهمیت ویژه‌ای دارد. ام‌البنین (س)، بانوی بزرگوار تاریخ اسلام و همسر حضرت علی (ع)، یکی از نمونه‌های بارز مادری است که از طریق وراثت و تربیت منحصر به فرد خود، فرزندی به نام حضرت عباس (ع) را تربیت کرد که یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است. حضرت عباس (ع) با ویژگی‌های برجسته‌ای چون شجاعت، وفاداری، ایثار و ولایت‌پذیری در واقعه کربلا نقش حیاتی ایفا کرد و الگویی جاودان برای مسلمانان و آزادگان جهان شد. سؤال پژوهش حاضر این است که: چگونه ام‌البنین (س) توانست با بهره‌گیری از وراثت و تربیت صحیح، چنین فرزندی را پرورش دهد؟ برای پاسخ به این سؤال، ابتدا چارچوب نظری طرح می‌کنیم و سپس با تحلیل ویژگی‌های وراثتی و شخصیتی ام‌البنین (س)، تأثیر این عوامل را بر شخصیت و رفتار حضرت عباس (ع) بررسی خواهیم کرد. هدف نهایی، ارائه تصویری جامع از تأثیرات وراثتی و تربیتی این بانوی بزرگوار بر فرزندش و درس آموزی از این الگو برای تربیت نسل‌های آینده است.

نقش وراثت در شکل‌گیری و رشد شخصیت

در شکل‌گیری و رشد شخصیتی یک فرد دو امر، نقش بی‌بدیل دارد؛ یکی نقش وراثتی و زیستی و دیگر نقش تربیت و عوامل اجتماعی. در این جستار، مسئله وراثت و نقش آن در شکل‌گیری و رشد شخصیت را از منظر دینی و علمی مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

الف) از منظر دینی (آیات و روایات)

قانون وراثت و تأثیرات آن بر روحیات و شخصیت فرد در متون دینی اسلامی چنان جدی است که این مسئله را به باورهای اعتقادی پیوند زده و آن را به‌عنوان یکی از

مسائل مهم اعتقادی، در ارتباط با مسئله جبر و اختیار مسلمانان بحث کرده‌اند. برخی با استناد به آیات و احادیث مربوطه، معتقدند که با وجود وراثت، خوشبختی یا بدبختی انسان خارج از اراده و اختیار اوست. چنانکه از پیامبر ﷺ نقل شده است: «الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ؛ شقاوتمند در شکم مادرش نیز شقاوتمند است و سعادت‌مند در شکم مادرش نیز سعادت‌مند است» (بحرانی، ۱۳۷۴: ۵۲۹/۲). طبق این دسته از روایات، عده‌ای از دانشمندان اسلامی معتقدند که سعادت و شقاوت انسان به حکم خداوند و جزو جدایی‌ناپذیر اوست؛ به‌عنوان مثال، فخر رازی (۱۴۲۰: ۳۹۹/۱۸) در تفسیر آیه ۱۰۵ سوره هود چنین دیدگاهی را بیان کرده است. برخی از آیات و روایات که در این زمینه مورد استناد قرار می‌گیرند، عبارتند از: «قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ...» (برادران) گفتند: اگر او [بنیامین] دزدی کند، (جای تعجب نیست، چون) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدی کرد» (یوسف/۷۷). مفسران معتقدند که این جمله برادران یوسف برای تبرئه خودشان و نسبت دادن دزدی به یوسف و بنیامین به دلیل وراثت از مادرشان است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۳۶/۱۱؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۱۶۱/۵).

در روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده است: «تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؛ برای نطفه‌های خود (همسر مناسب) انتخاب کنید که عرق پنهانی تأثیر دارد» (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۵۵۹/۲). در حدیث دیگری فرمودند: «أَنْظُرُ فِي آيِ نَصَابٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؛ بنگر فرزند خود را کجا قرار می‌دهی که عرق پنهانی تأثیر می‌گذارد» (متقی هندی، ۱۴۰۵: ۸۵۵/۱۵). «عرق» به معنای ریشه و اساس یک پدیده است و نطفه اساس آفرینش انسان محسوب می‌شود. «دَسَّاس» به معنای انجام کار پنهانی است؛ بنابراین، منظور از دَسَّاس بودن عرق این است که صفات موروثی به طور ناپیدا و از طریق نطفه به فرزند منتقل می‌شوند (نک. سبحانی، ۱۳۶۸: ۲۲۸).

امام علی علیه السلام در فرمان خود به استاندار مصر می‌فرماید: «... ثُمَّ أَلْصَقَ بِذَوِي الْأَحْسَابِ وَ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ السَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ، ثُمَّ أَهْلِ النَّجْدَةِ وَ الشُّجَاعَةِ وَ السَّخَاءِ وَ السَّمَاخَةِ. فَإِنَّهُمْ جَمَاعٌ مِنَ الْكَرَمِ وَ شُعَبٌ مِنَ الْعُرْفِ...؛ برای اداره کشور افرادی را برگزین که گوهر نیک دارند و از خاندانی پارسایند و از سابقه‌ای نیکو



برخوردار، پس دلیران و رزم آوران و بخشندگان و جوانمردان (را برگزین) که اینان بزرگواری را در خود فراهم کرده‌اند و نیکویی‌ها را گردآورده‌اند» (نامه ۵۳). امام علیه السلام در این فرمان به استاندار مصر توصیه می‌کند که برای اداره کشور افرادی را برگزین که از خانواده‌های نیکوکار، پارسا، دلیر، رزم‌آور، بخشنده و جوانمرد باشند، این خصوصیات اغلب صفات ارثی و ژنتیکی هستند. سبحانی (۱۳۷۵: ۳۵۵/۴) نیز با اشاره به این توصیه، تأثیر وراثت در احادیث را بیان می‌کند.

بنابر روایتی، در جنگ جمل، محمد حنفیه علمدار لشکر بود، اما به نظر می‌رسید ترسیده و در حمله به سپاه جمل تردید داشت. علی علیه السلام به او نزدیک شد و دلیل حمله نکردنش را پرسید. محمد حنفیه پاسخ داد که فقط تیراندازانی را می‌بیند که به سمت او تیر می‌اندازند. علی علیه السلام با دسته شمشیر به او ضربه زد و فرمود: «مَا أَدْرَكَكَ عِرْقَ مَنْ أَيْبِكْ؛ این عرق از پدرت به تو نرسیده است» (مدنی، ۱۴۲۰: ۱۴۱). ابن ابی‌الحدید (۱۴۰۴: ۲۴۳/۱) به گونه دیگری این مطلب را نقل کرده است: «أَدْرَكَكَ عِرْقَ مَنْ أُمَّكَ؛ این عرق از مادرت به تو رسیده است».

با توجه به آیات و روایات فوق، مسئله ژنتیک و وراثت در شکل‌گیری و رشد شخصیت انسانی، تأثیرگذار است؛ اما آیا این تأثیرگذاری به گونه‌ای است که تمام اراده و اختیار انسان را سلب می‌کند یا انسان می‌تواند بر این شرایط غلبه کند؟ پاسخ این سوال را علامه طباطبایی ذیل آیه ۵۸ سوره اعراف بیان کرده‌اند: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَآ يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا؛ و سرزمین پاک (و مستعد) گیاهانش به فرمان پروردگارش (به خوبی) می‌روید، اما سرزمین‌های بدطینت (و نامساعد) جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش نمی‌رویند». علامه طباطبایی معتقد است اگر این آیه را همراه با آیاتی که بر عمومیت دعوت‌های دینی دلالت دارند، مانند «لَأَنْذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» (انعام/۱۹)، مورد دقت قرار دهیم، می‌توانیم نتیجه بگیریم که بنیه انسانی و صفات درونی او در اعمالش تأثیر دارند؛ اما این تأثیر به صورت اقتضایی است و نه به نحو علیت تامه؛ بنابراین اینکه برخی گفته‌اند سعادت و شقاوت اموری ذاتی هستند که هرگز از ذات فرد جدا نمی‌شوند، یا اینکه سعادت و شقاوت را به قضای مقدر ازلی نسبت داده‌اند،

نادرست است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۳/۱۹۰). بر این اساس، وراثت قطعاً در شکل‌گیری و رشد شخصیت انسانی تأثیرگذار است؛ اما نافی اراده و اختیار انسان نیست.

(ب) از منظر علمی (زیستی و ژنتیکی)

تأثیر وراثت در شخصیت، یکی از مباحث مهم مطرح در دانش زیست‌شناسی و روان‌شناسی است. شخصیت انسان، مجموعه افکار، احساسات، ویژگی‌های فیزیکی و رفتار اجتماعی یک شخص است که از درهم‌آمیختگی عوامل زیستی و ژنتیکی، عوامل روانی و عوامل اجتماعی، شکل می‌گیرد و به تدریج رشد می‌یابد. در نتیجه، میان صفات شخص و عوامل زیستی و وراثتی فرد، نوعی همبستگی ذاتی وجود دارد. شخصیت فرد ترکیب منحصر به فرد از توانایی‌ها، عقاید، نگرش‌ها، انگیزش‌ها، هیجان‌ها و صفات هر فرد است که او را از دیگران متمایز می‌سازد و به‌طور آشکار مشخص می‌کند که از چه عوامل زیستی و اجتماعی متأثر هستند (اتکینسون، ۱۳۸۳: ۴۲۹-۴۳۰).

وراثت، انتقال صفات از والدین به فرزندان است. بیشترین وراثت پذیری به توانایی‌های هوشی، سپس شخصیت و کمتر به عقاید دینی، سیاسی و علایق شغلی مربوط می‌شود (همان، ۴۲۹-۴۳۰). ژن‌ها همراه با تأثیر محیط عمل می‌کنند و صفاتی مثل قد، وزن و هوش تا حدی توسط ژن‌ها تعیین می‌شوند؛ اما محیط نیز نقش مهمی دارد. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی در زمان تولد به ارث می‌رسند و تفاوت‌های شخصیتی نتیجه تفاوت‌های ژنتیکی است. عوامل وراثتی در برخی صفات مانند گروه خون کاملاً تعیین‌کننده و قطعی هستند، اما در مواردی مانند یادگیری مهارت‌های پیچیده، وراثت تنها استعداد اولیه و صرفاً ماده خام را فراهم می‌کند و برای شکل‌گیری شخصیت طبق آنها، نیازمند تمرین است که یادگیری طبق آنها فراهم شود. در روایات اسلامی نیز برخی صفات شخصیتی مانند وفاداری و بی‌وفایی، شهامت و بزدلی و نجابت تا حد زیادی به عوامل ذاتی و ارثی نسبت داده شده‌اند (مصباح، ۱۳۸۴: ۲۱۵، ۲۳۳).

فروم، جامعه‌شناس آلمانی باور داشت که بیشتر مردم یک فرهنگ دارای منش

اجتماعی مشابهی هستند. کودکان منش اجتماعی و فردی خود را از تعامل های منحصر به فرد با والدین و همچنین وراثت ژنتیکی شکل می دهند. ترکیب تجربه های اجتماعی و محیطی، به ویژه رفتار والدین با کودک، ماهیت شخصیت در بزرگ سالی را تعیین می کند، هر چند این موضوع را نمی توان به طور قطعی بیان کرد (شولتز، ۱۳۸۴: ۳۷، ۱۲۳، ۲۰۶). واتسون، نیز به نقش سازنده و پراهمیت وراثت و محیط در تکوین شخصیت عقلی، اخلاقی، اجتماعی و عاطفی افراد اشاره دارد (پارسا، ۱۳۷۴: ۹۹).

بنابراین در این زمینه سه رویکرد کلی را می توان باز شناساند: برخی از دانشمندان بر این باور هستند که تکامل شخصیت انسان صرفاً ناشی از تأثیر عوامل ژنتیکی است؛ در حالی که برخی دیگر معتقدند شخصیت انسان تنها از عوامل اجتماعی و محیطی تأثیر می پذیرد؛ اما دسته دیگر بر این باور هستند که شکل گیری شخصیت نتیجه تعامل هر دو عامل محیط و ژنتیک است، امروزه این نظریه مقبولیت بیشتری یافته است. این نظریه با عنوان تأثیر و تأثر متقابل ژن و محیط یا نظریه سرشت و تربیت شناخته می شود (اکرمی، ۱۳۹۱: ۱۸۲).

به طور کلی، از دیدگاه دانشمندان زیستی، روان شناختی و اجتماعی دیدگاه های متفاوتی درباره عوامل شکل دهنده شخصیت و رفتار افراد وجود دارد. برخی تنها به ساختار ژنتیکی توجه دارند (جبرگرایی ژنتیکی)، برخی به عوامل محیطی تأکید می کنند (جبرگرایی محیطی) و برخی دیگر به عوامل اجتماعی اهمیت می دهند (جبرگرایی اجتماعی). طرفداران جبرگرایی ژنتیکی معتقدند که بسیاری از رفتارها و حتی سرنوشت انسان تنها به ژن ها بستگی دارد؛ اما باید توجه داشت که هیچ یک از این عوامل به تنهایی نمی توانند تمام خصوصیات رفتاری افراد را شکل دهند؛ بلکه این عوامل باهم تعامل دارند و تأثیر متقابل می گذارند. حتی با کشف ژن های مرتبط با رفتارهایی مانند اضطراب، نمی توان رفتار فرد را صرفاً بر اساس ژن پیش بینی کرد (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۶۳).

با در نظر داشت دیدگاه علمی و متون دینی می توان مدعی شد که خصوصیات رفتاری انسان، ترکیبی از تأثیرات وراثت و محیط است و نباید نقش اراده و اختیار را نادیده گرفت. علم ژنتیک نیز این حقیقت را پذیرفته است؛ بنابراین، وجود عوامل

ژنتیکی در برخی ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری نامطلوب، مجوزی برای انجام آن اعمال نیست؛ زیرا در نهایت، انسان خود تصمیم می‌گیرد چگونه رفتار کند؛ اما این سؤال مطرح می‌شود که اگر ژن‌ها بر رفتار تأثیر دارند، آیا اراده نیز تحت تأثیر آنها نیست؟ متخصصان ژنتیک رفتاری پاسخ داده‌اند که هیچ ویژگی اخلاقی، مانند سست اراده بودن، کاملاً تحت کنترل ژن‌ها نیست و با تربیت، تمرین و خواست فرد قابل تغییر و بهبود است. در نهایت، هر کس مسئول اعمال خود است (بیکر، ۱۳۸۷: ۶۰). وراثت و ژن، منافی اختیار انسان نیست؛ اما تأثیرات آن بر روحيات و شخصیت فرد، غیرقابل انکار است.

اصالت خانوادگی ام‌البین(س)

بعد از شهادت حضرت فاطمه زهرا(س)، حضرت علی(ع) به برادرش عقیل (که در نسب‌شناسی عرب فرد خبره بود) درباره انتخاب همسری که اصالت خانوادگی داشته باشد و دلیر و نیرومند باشد تا فرزندان اصیل و شجاع بیاورد، مشورت کرد و فرمود: «انظر الی امرأة قد ولدتها الفحولة من العرب لِأَتزَوَّجها فتلد لی غلاما فارساً؛ برای من بانویی از خاندان شجاع عرب انتخاب کن تا از او فرزندان شجاع و دلیری نصیب شود» (ابن‌عنه، ۱۳۸۱: ۱، ۳۵۷). این بیان امام(ع) توجه به تأثیر عنصر مهم توارث و نقش وراثتی مادر در روحيات فرزند، دارد. عقیل که کاملاً در نسب‌شناسی مهارت داشت، ام‌البین از قبیله بنی‌کلاب را به حضرت علی(ع) پیشنهاد کرد و امام(ع) موافقت فرمود و با ایشان ازدواج کرد (همان، ۳۵۷). ام‌البین پدرش حزام بن خالد یا حرام بن خالد (مظفر، ۱۴۲۹: ۱، ۱۰۰؛ کلباسی، ۱۳۸۷: ۶۳) و مادرش لیلی یا ثمامه دختر سهل بن عامر بن جعفر بن مالک از بانوان اصیل و شجاع عرب بود (ابن‌عنه، ۱۳۸۱: ۳۵۶). بر اساس نقل نسب‌شناسان عرب و تاریخ‌نگاران، قبیله بنی‌کلاب به شهامت، رشادت، شجاعت و دیگر ویژگی‌های اخلاق حسنه مشهور بودند (مسعودی، ۱۳۷۴: ۶۷/۲؛ امین، ۱۳۷۱: ۸، ۳۸۹) تا آنجا که در برخی منابع، نام یازده تن از مادران او را برشمرده‌اند که همه، از مادران نجیب و خاندان اصیل روزگارشان بوده‌اند. در نسب نیاکان مادری حضرت عباس(ع)، نام پهلوانان بزرگی قرار دارد که آوازه بلندی در عرب داشتند؛ برای نمونه مُلاعِب

الاسنه که لقب عامر بن مالک بن جعفر بن کلاب است. اوس بن حجر شاعر جاهلی درباره او این گونه سروده است: «يَلَا عِبْ أَطْرَافَ الْأَسِنَّةِ عَامِرٌ / فَرَّاحَ لَهُ حَظُّ الْكُتَّائِبِ أَجْمَعِ؛ عامر، سرنیزه‌ها را به بازی می‌گیرد؛ پس او به تنهایی کارایی و توان یک لشکر را دارد» (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۱۵، ۵۰). گویی امیرالمؤمنین، برای تربیت یاور دلیر و شجاع حضرت سیدالشهداء در کربلا برنامه‌ریزی کرده بود و از نسل شجاعان عرب، همسری برگزید تا فرزند شجاع و دلیر نصیب او شود.

ام‌البنین (س) که با توجه به نیاکان اصیل و ارزشی خود، صفات برجسته‌ای در وجودش داشت؛ این خصوصیات را به فرزندان به خصوص حضرت عباس علیه السلام منتقل کرد. خصایص ارزشمندی چون ایثارگری، ولایت‌پذیری، فدایی امامت شدن، صاحب بصیرت و آگاهی که توسط فرزندان وی در کربلا بروز و ظهور یافتند. ام‌البنین (س) تمام خصایص عالی انسانی نظیر شجاعت، فصاحت، امین، با محبت، اهل بصیرت، ایثارگر و ولایت‌پذیر را دارا بود. علمای شیعه همه خصوصیات ام‌البنین (س) نظیر شجاعت، فصاحت و علاقه به اهل بیت به ویژه امام حسین علیه السلام را ستوده‌اند و از او به نیکی و بزرگی یاد کرده‌اند (دخیل، ۱۴۰۱: ۱۸). شهید ثانی فقیه شیعه قرن دهم و سید عبدالرزاق مَقْرَمِ مَقْتَلِ نَوِيسِ شِيعِيهِ (متوفای ۱۳۹۱ق)، گفته‌اند ام‌البنین (س) نسبت به اهل بیت پیامبر، محبت شدید داشت، احترام خاص قائل بود و تماماً زندگی خود را وقف خدمت به آنان کرده بود. اهل بیت نیز متقابلاً برای او احترام ویژه‌ای قائل بودند (ربانی خلخالی، ۱۳۷۸: ۷؛ مقرم، ۱۳۶۹: ۱۸). شریف قرشی (۱۳۸۶: ۲۸) معتقد است در تاریخ زنی همچون ام‌البنین (س) دیده نشده‌است که نسبت به فرزندان هُووی خود محبتی خالصانه بورزد و آنها را بر فرزندان خویش مقدم بدارد. ام‌البنین چهار پسر به نام‌های عباس، عبدالله، جعفر و عثمان به دنیا آورد (طبری، ۱۳۸۷: ۱۵۳/۵)، که هر چهار فرزندش روز عاشورا در کربلا به شهادت رسیدند (همان، ۱۵۳/۵). ام‌البنین (س) در کربلا حضور نداشت؛ اما بعد از بازگشت کاروان اسیران کربلا به مدینه، وقتی خبر شهادت فرزندان را شنید، گفت: «ای کاش فرزندانم و تمامی آنچه در زمین است، فدای حسین می‌شد و او زنده می‌ماند» (حسون، ۱۴۱۱: ۴۹۶-۴۹۷؛ محلاتی، ۱۳۶۴: ۳، ۲۹۳؛ دخیل، ۱۴۰۱: ۱۸). این

روحیه وفاداری و ولایت‌پذیری او تماماً به فرزندانش از جمله حضرت عباس علیه السلام انتقال یافت. یکی از شعرای مشهور آیینی درباره وراثت عباس علیه السلام از مادر می‌گوید:

فاطمه دوم حیدر شدی مادر یک ماه و سه اختر شدی
قدر تو گوی شرف از ناس برد ارث ادب را ز تو عباس برد

اصالت و شجاعت عباس علیه السلام؛ تأثیرات ژنتیکی

یکی از مواردی که از عوامل زیستی و وراثتی از مادر به فرزند به ارث می‌رسد، صفات فیزیکی و جسمانی است. صفات جسمانی، از مفاهیم پایداری هستند که طی تاریخ بشر، دانشمندان اذعان کرده‌اند که به ارث می‌رسند. یکی از دانشمندانی که به‌طور جدی در مورد این مسئله اظهار نظر کرده، بقراط حکیم بوده است (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

عباس علیه السلام فرزند علی علیه السلام یکی از شجاعان عرب است که درب خیبر را با دست از جا برکند و فارسان و شجاعان عرب را در جنگ‌های خندق و خیبر از پا درآورد و از طرف مادر نیز اصالت خانوادگی بزرگ دارد و از نسل شجاعان است. در شعری ویژگی‌ها والای این خاندان چنین آمده است:

یا واهب الخیر الجزیل من سعه
و نحن خیر عامر بن صعصعه
نحن بنو ام البنین الاربعه
المطمعون الجفنه المدعده^۱

(بهشتی، ۱۳۷۴: ۳۲).

در کربلا با ایثار و فداکاری و شجاعت حضرت عباس علیه السلام، ما به عظمت جمله عقیل واقف می‌شویم، آنجا که به علی علیه السلام می‌گوید: «تزوج ام البنین الکلابیه فانه لیس فی العرب اشجع من آبائها؛ با ام البنین کلابیه ازدواج کن زیرا شجاع‌تر از پدران و اجداد وی در عرب نیست» (مقرم، ۱۳۶۹: ۲۶).

۱. ای بخشنده خیر فراوان! ما فرزندان مادر چهار پسریم و از نسل خوب صعصعه هستیم که در جنگ، با ضربات شکننده، جمجمه دشمن را در هم می‌شکنیم.

نقش تربیتی در شکل‌گیری و رشد شخصیت

عامل دیگری که در شکل‌گیری و رشد شخصیت نقش دارد، مسئله تربیت است. تربیت به مجموعه فرآیندها و تجارب اشاره دارد که از طریق آنها فرد رشد می‌کند و شخصیت خود را شکل می‌دهد. این فرآیند نه تنها شامل آموزش و پرورش، بلکه تمامی تأثیرات محیطی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی است که فرد از بدو تولد تا بزرگسالی تجربه می‌کند. خانواده نخستین و اصلی‌ترین نهاد اجتماعی است که نقش بسزایی در تربیت و شکل‌گیری شخصیت فرد ایفا می‌کند. در محیط خانواده، فرد نخستین مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و رفتاری را می‌آموزد. الگوگیری از والدین و دیگر اعضای خانواده در این مرحله بسیار مهم است. برای مثال، ام البنین (س) با تربیت دینی و اخلاقی خود، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت حضرت عباس (ع) داشت. ایشان با آموزش ارزش‌های والای انسانی و اسلامی، حضرت عباس (ع) را به عنوان فردی شجاع، وفادار و پایبند به اصول دینی پرورش دادند.

الف) بصیرت دینی و معرفت ولایی

ام البنین (س) امام‌شناس واقعی بود و جایگاه امام و ولی زمان خودش را خوب می‌شناخت. همین معرفت و بصیرت در تربیت او جلوه خاص داشت. ایشان از آغاز ازدواج با حضرت علی (ع)، با محبت به فرزندان حضرت زهرا (س) نشان دادند که بصیرت عمیقی نسبت به ولایت دارند. پس از واقعه کربلا، ام البنین (س) با شجاعت و بصیرت قوی خود، پیام‌های کربلا را به آیندگان منتقل کردند و ارزش‌های معنوی آن را زنده نگه داشتند. حضرت عباس (ع) که تربیت یافته چنین بانویی بود، به عنوان نماد بصیرت دینی در تاریخ اسلام و تشیع شناخته می‌شود. اوج بصیرت ایشان در واقعه عاشورا تجلی یافت، جایی که با وجود تهدیدها و تطمیع‌ها، از امان نامه دشمنان چشم‌پوشی کرد و با تمام توان از حریم امامت و ولایت دفاع کرد. مامقانی (۱۳۵۲: ۳، ۷۰) یکی از علمای رجالی در کتاب خود تنقیح المقال فی علم الرجال، ولایت فاطمه کلابیه را این‌گونه به تصویر می‌کشد: «فانَّ عَلَّقَتْهَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ لَيْسَ أَلَا لِامَامَتِهِ»



همانا علاقه ام البنین به حسین بن علی علیه السلام به خاطر امامت حضرت است». او اهل بصیرت بود و امامت امام حسین علیه السلام را پذیرفته بود و از این حیث به او اظهار علاقه می‌کرد، نه به این دلیل که او را در دامان خود پرورانده بود. زیباترین جلوه عشق به ولایت و رهبری و دفاع از ولایت و مبارزه برای حمایت از مقام والای امام علی علیه السلام در زندگی فاطمه زهرا (س) وجود داشت؛ گویی ام البنین، فاطمه دوم، تداوم آن چهره درخشان تاریخ بود. مامقانی در جای دیگر می‌نویسد: «اینکه ام البنین به شرط سلامت حسین علیه السلام، مرگ چهار فرزند خود را بر خود آسان می‌گرفت، نشان دهنده درجه عالی ایمان اوست. من او را از نیکان می‌دانم» (همان، ۷۰).

حضرت عباس علیه السلام که تربیت‌یافته چنین مادری بود، واجد صفات همانند ایشان بود. امام صادق علیه السلام ایشان را دارای بصیرت دینی و ایمان راسخ می‌داند: «كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلْبَ الْإِيمَانِ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَأَبْلَى بِلَاءَ حَسَنًا وَمُضَى شَهِيدًا؛ عموی ما، عباس، دارای بینشی ژرف و ایمانی راسخ بود؛ همراه با امام حسین علیه السلام جهاد کرد و نیک آزمایش داد و به شهادت رسید» (ابن عنبه، ۱۳۸۱: ۳۵۶). هم‌چنین شاهد بصیرت دینی و معرفت ولایی حضرت عباس علیه السلام اشعاری است که در میدان نبرد جهت تضعیف روحیه دشمن و بیان اعتقادات والای خویش خواند. وقتی دشمنان دست راست ایشان را قطع کردند، این اشعار را می‌خواند:

وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُمْوَا يَمِينِي إِنْئِي أَحَامِي أَبْدَأُ عَن دِينِي

و عَنْ امام صادق اليقين نجلِ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْأَمِينِ^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵، ۴۰).

در یکی از اشعار دیگرش نیز صریحاً از عشق و محبتش به امام خود پرده برمی‌دارد: إِنْئِي أَنَا الْعَبَّاسُ ذُو التَّوَكُّدِ نَجْلُ عَلِيٍّ الطَّاهِرِ الْمُؤَيَّدِ؛ من عباس، صاحب عشق و محبت اهل البيت هستم، فرزند امام علی طاهر و پاکیزه علیه السلام و تأیید شده خداوندم (ابومخنف، ۱۳۶۲: ۹۰).

۱. به خدا قسم! گرچه دست راستم را قطع کردید، من همیشه و در هر حال از دینم حمایت می‌کنم؛ و از امام صادق و برحق و پسر پیامبر طاهر و امین علیه السلام حمایت می‌کنم.



ب) شناخت جایگاه خود

ام‌البنین (س) بعد ازدواج با امام علی علیه السلام به خاطر احترام به فرزندان فاطمه (س)، به ایشان پیشنهاد کرد او را به نام اصلی اش (فاطمه)، صدا نزند تا حسنین علیهم السلام با شنیدن نام فاطمه به یاد مادرشان نیفتند؛ از این رو امام علی علیه السلام ایشان را ام‌البنین (مادر پسران) نامید (ربانی خلخالی، ۱۳۷۶: ۱، ۶۹). این نگاه و بصیرت متعالی، موجب شد که در تربیت فرزندان نیز این نگاه و جایگاه را منتقل کند. عباس علیه السلام نیز هیچ‌گاه خود را هم‌ردیف فرزندان فاطمه (س) نمی‌دانست و امام حسین علیه السلام را همواره مولا و آقا خطاب می‌کرد.

ج) شناخت وظیفه و رسالت خویش

ام‌البنین (س) بعد از خداحافظی با امام حسین علیه السلام در مدینه، رو به فرزندان و به ویژه حضرت عباس علیه السلام کرد و گفت من شما را برای چنین روزی بزرگ کردم، مبادا بی حسین علیه السلام برگردید. این صحبت‌ها نشان از ادب، معرفت و بزرگواری آن بانوی باعظمت است.

عباس علیه السلام نیز تا آخرین قطره خون در کنار برادر ماند. امام سجاد علیه السلام فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسُ! فَلَقَدْ أَثَرَ وَأَبْلَى وَفَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ؛ خداوند، عباس را رحمت کند! بی‌هیچ تردیدی، ایثار کرد و آزمایش [نیکویی] شد و خود را فدای برادرش کرد تا آن‌که دستانش قطع شد» (صدوق، ۱۴۱۰: ۲، ۶۸). امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «كَانَ عَمُّنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلْبَ الْإِيمَانِ جَاهِدًا مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَأَبْلَى بَلَاءٌ حَسَنًا وَمَضَى شَهِيدًا؛ عموی ما، عباس، دارای بینشی ژرف و ایمانی راسخ بود؛ همراه با امام حسین علیه السلام جهاد کرد و نیک آزمایش داد و به شهادت رسید» (ابن‌عنه، ۱۳۸۱: ۳۵۶).

د) زنده نگه‌داشتن نهضت کربلا

ام‌البنین (س) به همراه حضرت سجاد علیه السلام با عزاداری و بیان حقایق عاشورا، نهضت امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا را زنده نگه‌داشتند. ام‌البنین (س) در کربلا حضور نداشت. بعد از بازگشت کاروان اسیران کربلا به مدینه، وقتی خبر شهادت فرزندان را

به او دادند، فرمود: «یا بشیر اخبرنی عن ابی عبدالله الحسین، اولادی و من تحت الخضراء کلهم فداء لابی عبدالله...؛ ای بشیر مرا از ابی عبدالله الحسین خبر بده، ای کاش فرزندانم و تمامی آنچه در زمین و تحت قبه خضرا است، فدای حسین می‌شد و او زنده می‌ماند». زمانی که خبر شهادت حسین علیه السلام را شنید، گفت: «آه که بندهای قلبم را پاره‌پاره کردی» (حسون، ۱۴۱۱: ۴۹۶-۴۹۷؛ محلاتی، ۱۳۶۴: ۳، ۲۹۳؛ دخیل، ۱۴۰۱: ۱۸). از آن پس همواره به عزاداری و مرثیه‌سرایی می‌پرداخت و در خانه‌اش با حضور زنان بنی‌هاشم مجلس سوگواری برپا می‌کرد (شبر، ۱۴۰۹: ۷۴). وی با این کار به ادامه رسالت شهدا پرداخت و نهضت عاشورا را زنده نگه داشت. او هر روز با عیدالله فرزند عباس علیه السلام به قبرستان بقیع می‌رفت و در آنجا با سرودن و خواندن اشعاری سوگواری می‌کرد و می‌گریست (تمیمی مغربی، ۱۴۱۴: ۳، ۱۸۶). ام‌البینین (س) که ادیب توانا و شاعری فصیح و اهل فضل و دانش بود (حسون، ۱۴۱۱: ۴۹۶-۴۹۷؛ امین، ۱۳۷۱: ۸، ۳۸۹)، در رثای شهدای کربلا و به‌خصوص فرزندش عباس علیه السلام شعر می‌سرود و با گفتن حقایق، آن حادثه تراژیک را در یادها زنده نگه می‌داشت. مردم مدینه نیز گرد او جمع می‌شدند و در آن سوگواری وی را همراهی می‌کردند. نقل شده‌است گریه و نوحه‌سرایی ام‌البینین (س) چنان جان‌سوز بود که حتی دشمنان اهل بیت همچون مروان بن حکم را نیز به گریه انداخت (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۶۸: ۹۰؛ تمیمی مغربی، ۱۴۱۴: ۳، ۱۸۶). از سروده‌های ام‌البینین (س) در رثای حضرت عباس علیه السلام:

یا من رأی العباس کرّ علی جماهیر النقد
و وراه من ابناء حیدر کل لیث ذی لبد
انبثت أنّ ابنی اصیب براسه مقطوع ید
ویلی علی شبلی اما ل براسه ضرب العمد

لو کان سیفک فی ید یک لما دنا منک احد (شبر، ۱۴۰۹: ۱، ۷۱).^۱

۱. ای که عباس را دیدی، بر انبوه دشمنان فرومایه حمله می‌کرد و در آن هنگام که فرزندان حیدر در کارزار چون شیران در پشت سر وی بودند، می‌گویند دست فرزندم قطع شده و بر سرش عمود فرود آمده، وای بر من، آیا بر فرق شیر شجاع من عمود فرود آمد و سر او را کج کرد؟ اگر شمشیرت را در دست داشتی کسی به تو نزدیک نمی‌شد» (محلاتی، ۱۳۶۴: ۳، ۲۹۴).

سروده دیگر ایشان این ابیات جان‌سوز است:

لا تدعوني وَايَكِ ام البنين تُذَكِّريني بليوث العرين
كانت بنون لي اُدعى بهم و اليوم اصبحت و لا من بنين
اربعه مثل نسور الربى قد واصلوا الموت بقطع الوتين
تنازع الحِرصان اشلائهم فكلهم امسوا صريعاً طعين
يا ليت شعربي اكما اخبروا بان عباساً مقطوع اليدين (شبر، ۱۴۰۹: ۱، ۷۱).

وای بر تو مرا دیگر مادر پسران مخوان که مرا به یاد شیران بیشه ام می اندازی. من پسرانی داشتم که به خاطر آنان مرا ام‌البنین می خواندند ولی امروز دیگر پسری ندارم. چهار پسر که مانند عقاب‌های کوهسار بودند و با بریده شدن رگ حیات یکی پس از دیگری به مرگ پیوستند. بر سر نعش آنها نیزه‌ها به ستیزه برخاستند و همه آنان از زخم نیزه به خاک افتادند. ای کاش می دانستم آیا چنان‌که خبر دادند؛ عباس من دست‌هایش قطع شده بود! (محللاتی، ۱۳۶۴: ۳، ۲۹۴).

ام‌البنین (س)، عباس علیه السلام را شیر ژیان خطاب می‌کند که اگر با حيله ناجوان‌مردانه، دست‌های وی را نبریده بودند و عباس شمشیر به دست داشت، کسی تاب مقابله با او را نداشت؛ اما دشمنان با نیرنگ قطع آب و کمین در نخلستان‌ها، دست‌های وی را بریدند و عمود بر فرقهش کوبیدند و به شهادت رساندند. این مادر با سوگواری بر این حادثه و یادآوری آن، عواطف و احساسات جهانیان را همیشه بیدار نگه‌داشت.

هـ) ادب و وفاداری

ام‌البنین (س) نماد ادب و وفاداری است و همین خصیصه در فرزندش عباس علیه السلام نسبت به امام حسین علیه السلام نیز موج می‌زند. ام‌البنین (س) بعد از ازدواج با علی علیه السلام، وقتی به خانه ایشان آمد، به فرزندان فاطمه (س) رو کرد و گفت: من نیامدم جای مادر شما را بگیرم، آدمم کنیز شما باشم:

آن کنیزم که در سرای علی همچو زهرا شدم فنای علی

ریختم عشق را به پای علی شد همه هستی‌ام فدای علی



ام‌البینین (س) سوگند یاد کرده بود که برای فرزندان امام علیه السلام مادری دلسوز باشد. گرچه ادب وی اقتضا می‌کرد که خود را مادر نداند؛ اما واقعاً نقش مادر را به خوبی ایفا می‌کرد. با ورود ام‌البینین (س) به خانه امیرالمؤمنین، او به مثابه پرستار کودکان امام علیه السلام عمل می‌کرد و به شدت فرزندان فاطمه (س) را دوست می‌داشت و آنان نیز ایشان را بسیار دوست می‌داشتند (السیوح، ۱۳۷۷: ۵۰؛ شبّر، ۱۴۰۹: ۷۴).

شب عاشورا، هنگامی که امام حسین علیه السلام از یاران خود خواسته بود تا بروند و ایشان را تنها بگذارند، عباس علیه السلام اولین کسی بود که اظهار وفاداری کرد و با جملاتی سرشار از عشق و ایمان و آکنده از ایثار و فداکاری، جان فشانی اش را اعلام کرد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸: ۷۷/۸۵). امتحان دیگر حضرت عباس علیه السلام از طرف خاندان مادری وی انجام شد. شمر که از قبیله ام‌البینین بود، نزدیک خیام امام حسین علیه السلام آمد و عباس، عبدالله، جعفر و عثمان (فرزندان امام علی علیه السلام که مادرشان ام‌البینین (س) بود) را صدا زد و گفت: از عبیدالله برایتان امان‌نامه گرفته‌ام. عباس علیه السلام و برادرانش با تندی به او پاسخ دادند و گفتند: بریده باد دست‌های تو و لعنت خدا بر تو و امان‌نامه‌ات. ای دشمن خدا، از ما می‌خواهی که از یاری برادر و مولایمان حسین علیه السلام دست برداریم و سر در طاعت ملعونان و فرزندان ناپاک آنان درآوریم. آیا ما را امان می‌دهی ولی برای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله امانی نیست؟ شمر از پاسخ دندان‌شکن فرزندان ام‌البینین، خشمناک شد و به خیمه‌گاه خویش برگشت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴، ۳۹۱؛ قمی، ۱۴۰۳: ۱، ۳۳۷؛ شریف قرشی، ۱۴۱۱: ۸۰).

ابن اعثم کوفی (۱۴۱۱: ۵، ۹۴) این جریان را در الفتوح این‌گونه نقل کرده است: «شمر بن ذی الجوشن آمد تا رو به روی لشکرگاه حسین ایستاد و با بالاترین صدایش، ندا داد: خواهرزادگان ما، عبدالله، جعفر و عباس، پسران علی بن ابی طالب، کجا هستید؟ حسین علیه السلام به برادرانش فرمود: «پاسخ او را بدهید، هرچند فاسق است؛ چرا که او از دایی‌های شماست». آنان، او را صدا زدند و گفتند: چه کاری داری و چه می‌خواهی؟ شمر گفت: ای خواهرزادگانم! شما در امان هستید. خود را با برادرتان حسین، به کشتن ندهید و در اطاعت امیر مؤمنان یزید بن معاویه باشید! عباس بن علی علیه السلام به او گفت: «مرگ بر تو، ای شمر! خدا، لعنتت کند و این امانی را نیز که آورده‌ای، لعنت کند! ای

دشمن خدا! آیا به ما فرمان می دهی که به اطاعت معاند [با خدا] درآییم و یاری برادرمان حسین را وانهم؟!».

و) اطاعت پذیری

ام البنین (س) در اطاعت پذیری از امام زمان خود نمونه تاریخ است. وقتی فرزندش عباس علیه السلام به دنیا آمد، نزد علی علیه السلام آورد، حضرت فرمود اسم فرزندت را چه گذاشتی، عرض کرد من هیچ وقت در هیچ امری از شما پیشی نمی گیرم. همین شاخصه اطاعت پذیری مادر به فرزندان نیز منتقل شد. عباس علیه السلام نسبت به امام حسین علیه السلام اطاعت پذیری کامل داشت. ابتلا و آزمایش های تاریخی پیش روی عباس علیه السلام قرار گرفت تا میزان اطاعت پذیری وی سنجش شود. وقتی در کربلا از قبیله مادری حضرت عباس علیه السلام در لشکر دشمن حضور داشتند، از جمله عبدالله بن ابی المحل بن حزام، برادرزاده ام البنین و شمر بن ذی الجوشن کلابی، از قبیله ام البنین؛ آنها امان نامه ای را از امیرشان عبیدالله بن زیاد برای فرزندان ام البنین آوردند. حضرت عباس علیه السلام حتی نمی خواست به آنها جواب دهد؛ اما امام حسین علیه السلام فرمود جوابش را بده، ایشان به دلیل اطاعت از امام با واکنش تند پاسخ داد (طبری، ۱۳۸۷: ۵، ۴۱۵؛ مفید، ۱۴۱۴: ۲، ۸۹). آنها اطاعت از امام شان را لازم و واجب می دانستند؛ از این رو امام صادق علیه السلام، در زیارت نامه حضرت عباس علیه السلام به همین خصوصیت وی اشاره می نماید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِإِمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ؛ عباس مطیع خداوند، پیامبر و امامان زمان خودش امیرالمؤمنین و حسن و حسین علیهم السلام بود» (قمی، ۱۳۹۷: ۱۲۰). همچنین حضرت عباس علیه السلام را این گونه توصیف می کند: «السلام علی ابی الفضل العباس الواسی اخاه بنفسه»؛ سلام بر ابوالفضل العباس، آن عزیزی که برادرش را با ایثار جان خویش یاری کرد. «وَأَوْفَى جَزَاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى بَبَيْعَتِهِ، وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتَهُ، وَأَطَاعَ وَوَلَاةَ أُخْرِهِ؛ یکی از آنان که به بیعت او وفا کرد و دعوتش را اجابت نمود و از والیان امر اطاعت کرد» (همان).

در زیارت ناحیه مقدسه نیز از زبان امام مهدی علیه السلام، حضرت عباس علیه السلام این گونه



توصیف شده و به او این‌گونه سلام داده شده است: «السَّلَامُ عَلَيَّ أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، الْمُوَأْسَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ، الْأَخِيذِ لِعَدِهِ مِنْ أَمْسِيهِ، الْفَادِي لَهُ الْوَأَقِي، السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ، الْمَقْطُوعَةَ يَدَا، لَعْنُ اللَّهِ قَاتِلِيهِ يَزِيدَ بْنِ الرَّقَادِ الْحِيتِي وَحَكِيمَ بْنَ الطُّفَيْلِ الطَّائِي؛ سلام بر ابوالفضل عباس، فرزند امیرمؤمنان؛ از خود در گذشته با جان برای برادر، برگیرنده از دیروزش برای فردایش (دنیا را وسیله آخرت قرارداد)، فدایی او، نگه دارنده، کوشنده برای رساندن آب به او و کسی که دست هایش بریده شد! خداوند قاتلانیش یزید بن رقاد حیتی و حکیم بن طفیل طایی را لعنت کند!» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۸، ۳۱۷). امام زمان علیه السلام با عبارت «الفادی به الواقی»؛ آن بزرگواری که خود را فدا کرد و همه تلاش خود را برای حفظ و نگهداری امامش به کار بست، حضرت عباس علیه السلام را توصیف می‌کند.

ز) ایثار و فداکاری

ام‌البنین (س) در خانه علی علیه السلام بسیار فداکاری کرد. فرزندان خود را فدای فرزندان فاطمه زهرا (س) نمود. این روحیه ایثار و فداکاری از ام‌البنین (س) به فرزندش عباس علیه السلام منتقل شد. ایشان در روز عاشورا نهایت ایثار و فداکاری را از خودش نشان داد. در گزارشی فداکاری ایشان این‌گونه نقل شده است:

«وَلَمَّا اشْتَدَّ بِالْحُسَيْنِ علیه السلام وَأَصْحَابِهِ الْعَطَشُ أَمَرَ أَخَاهُ الْعَبَّاسَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام وَكَانَتْ أُمُّهُ مِنْ بَنِي عَامِرِ بْنِ صَعَصَعَةَ أَنْ يَمْضِيَ فِي ثَلَاثِينَ فَارِسًا وَعِشْرِينَ رَاجِلًا، مَعَ كُلِّ رَجُلٍ قِرْبَةً حَتَّى يَأْتُوا الْمَاءَ، فَيَحَارِبُوا مَنْ حَالَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ، فَمَضَى الْعَبَّاسُ علیه السلام نَحْوَ الْمَاءِ، وَأَمَامَهُمْ نَافِعُ بْنُ هِلَالٍ حَتَّى دَنَوْا مِنَ الشَّرِيعَةِ، فَمَنَعَهُمْ عَمْرُو بْنُ الْحَجَّاجِ، فَجَالَدَهُمُ الْعَبَّاسُ علیه السلام عَلَى الشَّرِيعَةِ بِمَنْ مَعَهُ حَتَّى أزالَهُمْ عَنْهَا، وَاقْتَحَمَ رَجَالُ الْحُسَيْنِ علیه السلام الْمَاءَ، فَمَلَأُوا قِرْبَهُمْ، وَوَقَفَ الْعَبَّاسُ علیه السلام فِي أَصْحَابِهِ يَذُبُّونَ عَنْهُمْ، حَتَّى أَوْصَلُوا الْمَاءَ إِلَى عَسْكَرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام؛ هنگامی که تشنگی بر حسین علیه السلام و یارانش سخت شد، به برادرش عباس بن علی علیه السلام که مادرش از قبیله بنی عامر بن صعصعه بود، فرمان داد که با سی سوار و بیست پیاده که هرکدام، مشک آبی هم داشته باشند، به سوی آب برود و با کسانی که میان آنان و آب، مانع شده‌اند، بجنگند. عباس علیه السلام به سوی آب، روان شد و نافع بن هلال، پیشاپیش آنان بود. به شریعه (آب‌راه)

فرات، نزدیک شدند که عمرو بن حجاج، آنان را بازداشت. عباس علیه السلام و همراهانش، با او درگیر شدند و آنان را از شریعه راندند و پیادگان [لشکر] حسین علیه السلام به درون آب رفتند و مشک های خود را پُر کردند. عباس علیه السلام میان یارانش ایستادگی کرد و از پیادگان، دفاع نمود تا آب را به لشکر حسین علیه السلام رساندند» (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۵).

نتیجه

پژوهش پیرامون نقش وراثتی و تربیتی ام البنین (س) در شکل گیری و رشد شخصیت حضرت عباس علیه السلام نتایج ارزشمندی را ارائه می دهد که می تواند به فهم بهتر تأثیرات ترکیبی وراثت و تربیت در شکل گیری شخصیت های برجسته کمک کند. ام البنین (س) از خانواده ای اصیل و شریف بود که ویژگی های اخلاقی و روحی برجسته ای داشتند. این اصالت خانوادگی و ویژگی های ژنتیکی به حضرت عباس علیه السلام منتقل شد و نقش مهمی در شکل گیری شخصیت شجاع و وفادار او ایفا کرد؛ ویژگی هایی چون شجاعت، بصیرت، مروت و جوانمردی در حضرت عباس علیه السلام به وضوح نشان دهنده تأثیرات وراثتی از سوی مادر ایشان است. همچنین ام البنین (س) با تربیت دقیق و محبت بی شائبه خود، تأثیرات عمیقی بر فرزندانش گذاشت. او با بصیرت و معرفت دینی عمیق، مادری دلسوز برای فرزندان علی علیه السلام و زهرا (س) بود و حضرت عباس علیه السلام را نیز به عنوان یک فرد ولایت مدار و وفادار به اهل بیت پرورش داد. تربیت ام البنین (س) در زمینه های بصیرت دینی، ولایت پذیری، ادب، وفاداری، ایثار و فداکاری نقش مهمی در شکل گیری شخصیت حضرت عباس علیه السلام داشت. پس از واقعه کربلا، ام البنین (س) با بصیرت و شجاعت، پیام کربلا را زنده نگه داشت. همچنین نتایج این تحقیق نشان می دهد که تربیت دقیق و مبتنی بر اصول دینی و اخلاقی می تواند به پرورش شخصیت های برجسته و تأثیرگذار منجر شود. ام البنین (س) به عنوان یک الگوی تربیتی موفق، می تواند راهنمای ارزشمندی برای خانواده های مسلمان در تربیت نسل های آینده باشد. این تحقیق تأکید دارد که شکل گیری شخصیت انسان ها نتیجه تلفیق تأثیرات وراثتی و تربیتی است. وراثت به عنوان زمینه ساز و تربیت به عنوان شکل دهنده نهایی، هر دو نقش مهمی در این فرآیند دارند.

منابع

- ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله (١٤٠٤ق)، شرح نهج البلاغه، تصحيح محمد ابوالفضل ابراهيم، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفی.
- ابن ادريس، محمد بن احمد (١٤١٠ق)، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى (و المستطرفات)، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن اعثم کوفی (١٤١١ق)، الفتوح، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الاضواء.
- ابن عنبه (١٣٨١ق)، عمدہ الطالب فی أنساب آل أبي طالب، نجف، منشورات الشریف الرضی.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (١٣٦٨ق)، مقاتل الطالبیین، به کوشش احمد صقر، قاهره، دارالمعرفه.
- _____ (بی تا)، الاغانی الاصبهانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ابو مخنف، لوط بن یحیی (١٣٦٢)، مقتل الحسين عليه السلام و مصرع أهل بيته و أصحابه فی كربلاء، قم، الشریف الرضی.
- اتکینسون، ریتالال (١٣٨٣)، زمینه روان شناسی هیلگارد، ترجمه حسن رفیعی و همکاران، تهران، ارجمند.
- اکرمی، سید محمد (١٣٩١)، «ژنتیک یا محیط؛ کدام یک آینده ما را تعیین می کند؟»، فصلنامه اخلاق زیستی، سال دوم، شماره چهارم.
- امین، سید محسن (١٣٧١ق)، اعیان الشیعه، به کوشش حسن امین، بیروت، دارالتعارف.
- بحرانی، سید هاشم (١٣٧٤)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه بعثت.
- بهشتی، احمد (١٣٧٤ش)، قهرمان علقمه، تهران، انتشارات اطلاعات.
- پارسا، محمد (١٣٧٤)، روان شناسی یادگیری، تهران، انتشارات علمی.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (١٤١٤ق)، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار عليهم السلام، به کوشش جلالی، قم، نشر اسلامی.
- حسون، محمد و ام علی مشکور (١٤١١ق)، اعلام النساء المؤمنات، تهران.
- دُخَیْل، علی محمد علی (١٤٠١ق)، العباس بن امیر المؤمنین عليه السلام، بیروت، مؤسسه اهل البيت.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود (١٣٦٨ش)، الاخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم، منشورات رضی.
- رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر (١٤٢٠ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- ربانی خلخالی، علی (۱۳۷۶ش)، چهره درخشان قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس، قم، مکتب الحسین.
- _____ (۱۳۷۸ش)، ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین (س) همسر با وفای امیرالمومنین (ع)، قم، مکتب الحسین.
- سبحانی، جعفر (۱۳۶۸)، جبر و اختیار، تنظیم علی ربانی گلپایگانی، قم، مؤسسه تحقیقاتی سید الشهداء.
- _____ (۱۳۷۵)، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- السیوج، سید مهدی (۱۳۷۷ق)، ام البنین سیده نساء العرب، نجف، المکتبه الحیدریه.
- شاملو، سعید (۱۳۸۲)، مکتبها و نظریهها در روان شناسی شخصیت، تهران، رشد.
- شبر، جواد (۱۴۰۹ق)، أدب الطف أو شعراء الحسین علیه السلام من القرن الأول الهجری حتى القرن الرابع عشر، بیروت، دارالمرتضی.
- شریف قرشی، باقر (۱۳۸۶ش)، العباس بن علی، ترجمه سید حسن اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۱ق)، العباس بن علی علیهما السلام، رائد الكرامه و الفداء فی الاسلام، بیروت، دارالکتاب الاسلامی.
- شولتز، دوان (۱۳۸۴)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی، تهران، ارسباران.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)، تفسیر أحسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
- قمی، عباس (۱۳۹۰)، منتهی الامال، تهران، مبین اندیشه.
- _____ (۱۳۹۷)، مفاتیح الجنان، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
- کلباسی، محمد ابراهیم (۱۳۸۷ش)، خصائص العباسیه، به کوشش محمد اسکندری، تهران، انتشارات صیام.
- مامقانی، عبدالله (۱۳۵۲ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف، المرتضویه.

- متقی ہندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۵ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت، مؤسسہ الرسالہ.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محلاتی، ذبیح اللہ (۱۳۶۴ش)، ریاحین الشریعہ، تہران.
- محمدی ری شہری، محمد (۱۳۸۸)، دانشنامہ امام حسین علیہ السلام بر پایہ قرآن، حدیث و تاریخ، ترجمہ عبدالہادی مسعودی، قم، دارالحدیث.
- محمدی، علی (۱۳۸۹)، شبیہ سازی انسان، قم، نشر معارف.
- مدنی، ضامن بن شذقم (۱۴۲۰ق)، وقعہ الجمل، قم، نشر محمد.
- مسعودی، ابوالحسن (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب، بہ کوشش اسعد داغر، قم، دار الہجرہ.
- مصباح، علی (۱۳۸۴)، روان شناسی رشد ۱، تہران، دفتر همکاری حوزہ و دانشگاه.
- مظفر، عبدالواحد (۱۴۲۹ق)، موسوعہ بطل العلقمی، بیروت، مؤسسہ الاعلمی للمطبوعات.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، الارشاد، بیروت، دار المفید.
- مقرر، عبدالرزاق (۱۳۶۹ق)، قمر بنی ہاشم، نجف.